



## بکوشیم تا رهرو آرمان های جانباختگان قتل عام سال ۶۷ باشیم!

در تاریخ رزم پرشکوه کارگران و خلق های تحت ستم ما برای نیل به آزادی و عدالت اجتماعی، ایامی وجود دارند که خاطره آنها هیچگاه از ذهن توده ها زدوده نخواهد شد. بدون شک تابستان سال ۱۳۶۷ که قتل عام وحشیانه هزاران تن از زندانیان سیاسی توسط رژیم جمهوری اسلامی در آن بوقوع پیوست، یکی از این ایام است.

در تابستان آن سال، سران رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در شرایطی که با نوشیدن "جام زهر"، شکست خفت بار خود در جنگ ارتجاعی ایران و عراق را پذیرفته بودند، کوشیدند تا شکست در جبهه ها را با یورش به زندان هایی که هزاران تن از بهترین فرزندان خلق را در آن اسیر کرده بودند، جبران کنند. بدون شک پایان جنگ کثیفی که جان و مال میلیون ها انسان بیگناه در راستای مطامع انحصارات امپریالیستی و سرمایه داران وابسته در تنور آن سوزانده شده بود، جنگی که تمامی فریادها و خواست های عادلانه توده های ما نظیر عدالت اجتماعی، کار، نان، مسکن و آزادی به بهانه آن توسط رژیم حاکم سرکوب و در گلوها خفه شده بود، خطر شعله ور شدن جنبش توده ای بر علیه کلیت نظام حاکم را در پی داشت. امری که عواقب آن حتی از مدتی قبل از قبول پایان جنگ، هراس کشنده ای را در صفوف طبقه حاکم دامن زده بود. در چنین شرائطی رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی برای قلع و قمع جنبش توده هایی که در همه جا در کمین حکومت بودند، به زندان ها یورش برد و در مدتی کوتاه با استفاده از نفرت بارترین و شنیع ترین شیوه های شایسته جلادان، به قصابی هزاران تن از کمونیست ها و آزادیخواهان و مخالفین در بند پرداخت. در طول مدت کوتاهی بسیاری از زنان، مردان، نوجوانان و جوانان اسیر، به خواست سران جمهوری اسلامی و اشارت خمینی جلاد در جریان "محاکمات" چند دقیقه ای به جوخه های اعدام سپرده و یا به چوبه های دار آویخته شده و سرانجام نیز اجساد بی جان و نیمه جان آنان بیشرمانه در گورستان ها و خرابه های بی نام و نشان به خاک سپرده شدند.

به این ترتیب، رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی با حمام خونی که در تابستان ۶۷ به راه انداخت، کوشید تا ضمن نابودی و حذف فیزیکی نسلی از فعالین کمونیست و آزادیخواه که بسیاری از آنها در مکتب قیام پرشکوه خلق در بهمن ۵۷ پرورده شده و در جریان سال ها مبارزه تجربه ها آموخته بودند، مانع از پیوند آنها با جنبش اعتراضی رو به رشد توده ها در جامعه گردد. سازماندهندگان این کشتار وحشیانه که برخی از آنها امروز با بیشمرمی تمام ردای "اصلاح طلبی" بر تن کرده و از "مداراطلبی" داد سخن می دهند، با این جنایت تاریخی تلاش ورزیدند تا در آن مقطع بحرانی، با نمایش اوج قساوت و ماهیت ضدخلق خویش، از توده های معترض و مبارز زهرچشم گرفته و با پراکندن پدر مرگ و نیستی در جامعه، پرده سیاه ارباب و اختناق را بر جامعه بگسترانند. در آن ایام بحرانی در یک کلام، آنها یعنی سران جمهوری اسلامی بدون هیچ ملاحظه ای اعدام کردند، سوزاندند، از دم تیغ گذراندند، آتش زدند، خفه کردند و کشتند تا خود زنده بمانند و دستگاه جهنمی استثمار و سرکوب شان را با تزریق خون توده های بیگناه به آن تا چند صباحی دیگر سر پا نگاه دارند. به این ترتیب، پایان جنگ و اعلام دوره "بازسازی" که اسم مستعاری برای هجوم گسترده تر سرمایه های امپریالیستی برای غارت و استثمار کارگران و مردم ما بود، با "پاکسازی" زندان ها آغاز گشت. سران جمهوری اسلامی برای برقراری نظم و امنیت مورد دلخواه امپریالیست ها کمر به برپا کردن سکوت قبرستان در جامعه بستند و به این امید واهی هر آنچه را که از جلادی و ددمنشی در چنته داشتند، به نمایش گذاردند. اما از آنجا که به گواه تاریخ، استثمارگران هیچگاه نتوانسته اند با آویختن به حربه سرکوب و کشتار تا ابد صدای ستمدیدگان را در گلو خفه کنند، هنوز چند صباحی از قتل عام زندانیان سیاسی نگذشته بود که صدای فریاد اعتراض و امواج شورش و طغیان بر علیه نظام استثمارگرانه حاکم و مزدوران حافظ آن از چهار گوشه کشور برخاست و کارخانه ها و روستاها و شهرها و دانشگاه ها را فرا گرفت. فریاد "مرگ بر جمهوری اسلامی" با تمام دارودسته های آن، در اعتراضات کارگری و توده ای با شدت هرچه تمامتر طنین انداز شد. کارگران و توده های رنجدیده نشان دادند که جنبش پوینده آنها به رغم تمامی کشتارها و قساوت و ددمنشی های سرکوبگران حاکم، دوباره کمر راست کرده است. و آنها حاضر به قبول حاکمیت سرکوب و ظلم نیستند. به این ترتیب نسل جدیدی از مبارزان و آزادیخواهان، جای خالی یاران به خاک افتاده را گرفتند و در سال های بعد با تکرار شدیدتر و وسیع تر شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر خامنه ای، مرگ بر خاتمی..." صدای مهیب حضور جنبش خویش را در اسلامشهر و اراک، قزوین و ارومیه و تهران و کرمان و...، به گوش جلادان حاکم رسانند.

اکنون ۱۶ سال از جنایت تاریخی رژیم جمهوری اسلامی در قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ می گذرد و وقوع روزمره اعتراضات کارگری و دانشجویی و شورش های توده ای قهرآمیز با رادیکال ترین شعارها در پهنه سرزمین ما نشان می دهد که نه قصابی سال ۶۷ توسط سران مزدور رژیم، نظام استثمارگرانه آنها را در مقابل جنبش مقاومت توده ها واکسینه کرد و نه در ادامه آن چند صباحی بعد پروژه خاتمی فریبکار به رغم خریدن چند سال وقت برای

حاکمان توانست چهره ددمنش گردانندگان جمهوری اسلامی را برای همیشه در پشت ماسک های "اصلاح طلبی" و "اعتدال" پنهان نگاه دارد.

امروز کارگران و توده های ستمدیده ما همچنان در صحنه مبارزه حاضر و با هر آنچه که در توان دارند در هر موقعیت و به هر بهانه ای به خواست اصلی خود یعنی سرنگونی نظام استثمارگرانه حاکم و نابودی تمامی دارودسته های حافظ آن به هر شکل ممکن پای می فشارند. رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی به خوبی بر این "خطر" و "کابوس" تهدیدکننده آگاه است. سران جمهوری اسلامی می دانند که مشعل انتقام به خاطر همه جنایات ۲۴ ساله اخیر و به ویژه کشتار فرزندان آنان در سال ۶۷ در دل توده های معترض همچنان شعله می کشد. بی دلیل نیست که این رژیم، علاوه بر استفاده از سرکوب و قهر و خشونت به مثابه ابزار اصلی تداوم سلطه خود، می کوشد تا این روزها و در سالگرد این جنایت تاریخی از تمامی ظرفیت های فریبکارانه خویش نظیر پوشیدن لباس "اصلاح طلبی" و "اعتدال" و "گفتمان نفی خشونت" استفاده کرده و اینگونه جلوه دهد که تمامی جنایات بی شمار و ددمنشانه ۲۵ سال اخیر و از جمله قتل عام هزاران تن از کمونیست ها و مبارزین در سال ۶۷ به "گذشته" تعلق داشته و باید "فراموش" شوند. آنها می کوشند تا این ایده فریبکارانه را با کمک مرتجعین و سازشکاران رنگارنگ در جامعه ما بپراکنند که جمهوری اسلامی کنونی با جمهوری اسلامی "گذشته"، "فرق" دارد و "تغییر" کرده است و توده ها باید به جای تلاش برای سرنگونی آن، کوشش کنند تا دامنه این "تغییرات" را گسترده تر سازند. اما نکته آن جاست که مردم ما می دانند که امثال این ایده ها و لاطائلات درست از سوی کسانی تئوریزه و پخش می گردد که خود سازمانده آن همه جنایات و بی رحمی ها بودند. همانهایی که برای نجات این نظام ضدخلقی، دستان شان تا مرفق به خون کارگران و توده های تحت ستم و جانباختگان اعدام های سال ۶۰ و ۶۷ آغشته است. این ها امروز با ماسک فریب و ربا به میدان آمده اند ولی هدف شان همانا حفظ و تحکیم رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در ایران می باشد. به این اعتبار، شکست و بطلان ایده های فوق در نزد توده هایی که خود شاهد جنایات این مزدوران بوده اند کاملاً روشن است.

در سالگرد از دست دادن رفقا، یاران و فرزندان مان که در تابستان خونین ۶۷ در حمام خون جمهوری اسلامی قهرمانانه جان باخته اند، بکوشیم تا با تأکید بر خواست عادلانه و برحق آنان یعنی نابودی نظام ضدخلقی حاکم و رژیم مزدور جمهوری اسلامی، در راه آرمان مقدس آنان که برقراری جامعه ای آزاد و انسانی و مبتنی بر عدالت اجتماعی است به هر طریق ممکن گام برداریم.

جاودان باد خاطره پرافتخار جانباختگان قتل عام سال ۶۷!

نابود باد رژیم ضدخلقی جمهوری اسلامی!

زنده باد انقلاب! زنده باد کمونیسم!

با ایمان به پیروزی راهمان  
چریکهای فدائی خلق ایران- شهریور ۱۳۸۳